

# دربارهٔ علماء ظاهر و معنی علم

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



من آثار حضرت بهاء الله - مائده آسمانی، جلد 4

## باب دهم - دربارهٔ علماء ظاهر و معنی علم

جمال مبارک جل جلاله میفرماید قوله تعالی : “ از صدر اسلام چند نفسی با لباسهای مندرس و گردنهای خاضع و زفراوات و اسفات ظاهره بجان مردم بیچاره افتادند و در هر بلد که میرفتند طلب مقام خلوت مینمودند لاطهار سر و ظهور مستسر و بعد ذکر ناحیه و جابلقا و جابلسا و دو سه روایات کاذبه مجعوله مینمودند و میسپردند و ناس بیچاره غافل از این تزویرات تا بالاخره امر بمقامی رسید که سبب سفک دم اطهر شد و آن مجعولات بهیئت سیف و سنان ظاهر و بر حضرت مقصود وارد شد آنچه که لسان قادر بر ذکر و قلم قادر بر تحریر آن نه ” انتی

و نیز میفرماید قوله تعالی : “ بنام مبین دانا این قدر بر آنجناب معلوم بوده که آنچه ما بین ناس ذکر شده و میشود اکثر آن از اوهمات خلق بوده و حق از آن منزّه و مبرا و عند الله ملکوتیست از بیان که مقدس است از عرفان اهل امکان چنانچه رشی از طمطم این بحر در ارض طف بر آن جناب و شیخ سلطان الذی صعد الی الله القا شد آنچه الیوم لازم است اینستکه باید قلب را از جمیع عبارات و اشارات که عند الناس مذکور است مقدس نمود و در شجره ظهور و ما یظهر من عنده ناظر بود انه لیکفی العالمین چه مقدار از علماء و حکماء که بعد از طلب و انتظار بمقصود فائز نشدند و چه مقدار از نفوس غافله بجزرد اصغای آیات مالک اسماء بافق اعلی توجه نمودند مثل عالمیکه بمعلوم فائز نشده مثل نفسی است که احجار محکیه لا تحصی جمع نماید و لکن از عرفان قاصر باشد یعنی از اصل ذهب را نشناسد تا بان احجار امتحان نماید و این مقام عالمی است که فی الحقیقه عالم باشد تا چه رسد بنفوسیکه از علوم ظاهره هم محرومند قرون معدوده بتألیف و تصنیف کتب موهومه



ORIGINAL

مشغول شدند و باوصاف ظهور ناطق و چون بحر معانی ظاهر و کوثر وصال جاری و شمس فضل مشرق کل از آن محجوب الا من شاء الله ربک اینست شأن ناس و مقامهم اکثری از علوم که نزد ناس بوده لا یسمن ولا یغنی است اصل علم و جوهر آن عرفان معلوم بوده و من دون آن ما ینتفع به الناس ان ربک لهو المبین العلیم کاش علماء بعیوب اعمال و اقوال خود ملتفت میشدند غرور بشأنی آن نفوس را محتجب نموده که بما عندهم از ما عند الله گذشته اند اگر درست تفکر فرمائید در آنچه گفته اند و میگویند تصدیق مینمائید که از مطلع ظنون و اوهام ظاهر شده هزار و دوست سنه او ازید ذکر قائم نمودند و احادیث و اخبار لا تخصی روایت کرده اند من دون آنکه حرفی از علامات ظهور را علی ماهی علیه ادراک نمایند قد خسر کل عالم منع عن بحر العلم و ربح کل غافل سرع و شرب و قال لک الحمد یا محیی العالمین سالها آن نفوس بشرک خفی و جلی مشغول بودند و ابدا ادراک نمودند نفوسیکه به کلمه ای از کلمات رسول الله خلق شده اند آن نفوس را شبه آنحضرت بلکه فوق آن حضرت میدانسته اند بلی بظاهر بعضی اقرار مینمودند و لکن از بیانات و عبارات آن نفوس این مطلب واضح و مبرهن است عصمت کبری که مخصوص بنفس حق است از جهل و نادانی در ما دونش ذکر مینمودند فجعلوا بذلک شرکاء من دون ان یعرفوا الا انهم من الجاهلین مقام عصمت کبری مقام یفعل الله ما یشاء بوده و در آن ساحت ذکر خطا نبوده و نیست آنچه از مطلع غیب و مشرق وحی ظاهر شود حق بوده و خواهد بود و دون او در این مقام مذکور نه چه اگر بقدر اتمله از آنچه امر فرموده تجاوز نمایند یحبط اعمالهم فی الحین ان ربک هو الناطق الامین” انتی